

مجموعه شعرهای کوتاه

دفتر سوم

حالا، هر دو تنهاییم

سهیل محمودی

□ یک

کفش‌هایم را
در آوردم؛
حریم مقدس رودخانه.

□ دو

می‌روم
تا گیلان‌ها با هم
شب را عاشقانه‌تر سر کنند.

□ سه

چترم را جا گذاشتم
تا نرگس‌ها و بنفشه‌ها
تنها نباشند زیر باران.

□ چهار

همه‌ی شب، سقف را
بالای سر خواب‌هایم
نگه داشته بود شاپرک.

□ پنج

چتری شده
بر سر کِرم کوچک‌تر
قارچ کوچک.

□ شش

سردی ماه آبان:
با عجله می‌خوانند
گنجشک‌ها.